خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۵ . ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۲۷

قوانین ناکارآمد باید پالایش و اصلاح شود

رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با اشاره به ضرورت بازبینی قوانین و نیاز به اصلاح قانون های ناکارآمد، گفت: هم اکنون ۱۱ هزار قانون نیازمند تنقیح و پالایش در مجموعه قوانین وجود دارد و این انباشت قوانین نیازمند بازبینی، خود از مشکلات کشور است. به گزارش ایرنا، کاظم جلالی ادامه داد: ظرفیت حوزه های علمیه بسیار بالاست و باید خیلی از مبانی را از حوزه ها کسب کنیم.

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه حقوقی روزنامه خراسان، پاسخگوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفا در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: قطعه زمینی در روستا داشتم که چند سالی آن را رها کرده بودم. این زمین از پدرانم به من رسیده بود و سند و بنچاقی نداشت. حال که برای زراعت مجدد به روستا مراجعه کرده‌ام، اداره منابع طبیعی مانع فعالیت من شده است. چگونه می توانم بدون سند، مالکیت خود را بر زمین زراعی ثابت کنم؟

پاسخ: شما می توانید اعتراض خود را به دبیرخانه کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی تسلیم کنید. هرگونه دلیلی که بر مالکیت خود دارید (اعم از سند عادی یا استشهادیه) همراه لایحه اعتراضیه به کمیسیون ارایه کنید. کمیسیون به اعتراض شما رسیدگی، دلایل ابرازی را بررسی و رای مقتضی را صادر خواهد کرد. رای صادر شده در دادگاه های بدوی و تجدید نظر دادگستری قابل اعتراض خواهد بود. ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع و اصلاحات بعدی آن، اعلام می کند که «زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، سازمان ها و مؤسسات دولتی که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه های بعدی آن اعتراض داشته باشند»، می توانند اعتراض خود را به هیئتی که به همین منظور تشکیل می شود، ارائه کنند. سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری با صدور دستورالعمل «نحوه پذیرش اسناد عادی» به شماره ۸۶/۱/۲۹۴۵۹ عملا از پذیرش اعتراض افرادی که دلیل مالکیت یا زراعت خود را صرفا شهادت شهود اعلام می کردند، در کمیسیون ها ممانعت کرد. اما بند ۲-۲ این دستورالعمل که بیان می کرد: «معترضین هیچ گونه اسناد مثبته مالکیت نداشته و صرفا دارای استشهادیه محلی می باشند که با توجه به ماده ۴۸ قانون ثبت و ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی امکان پذیرش اعتراض در دبیرخانه های کمیسیون ماده واحده نمی باشد.» با رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شد.

پرسش: فردی کامیون مرا اجاره کرده بود. مدتی قبل به جرم حمل مواد مخدر بازداشت شد. کامیون من را هم توقیف کردند. حال هر چه تلاش می کنم، نمی توانم کامیونم را از توقیف بیرون بیاورم. به اجرای احکام دادگستری هم رفتم و اعتراض شخص ثالث کردم، اما تا به حال نتیجه‌ای نگرفتم. لطفا راهنمایی‌ام کنید.

پاسخ: شما می توانید به حکم صادره از دادگاه انقلاب مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی با تقدیم دادخواست، اعتراض ثالث کنید. دادگاه انقلاب به اعتراض شما رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می کند. در صورتی که اعتراض ثالث شما در دادگاه انقلاب رد شود می توانید به حکم رد اعتراض ثالث با تقدیم دادخواست تجدید نظر به دادگاه تجدید نظر استان اعتراض کنید. با توجه به حکم ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، وسیله نقلیه حامل مواد مخدر که متعلق به شخص ثالث باشد تنها در صورتی مصادره می شود که مالک وسیله نقلیه از حمل مواد مخدر «علم و اطلاع» داشته باشد. ماده ۳۰ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر بیان می کند: «وسائط نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر شناخته می شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می گیرد. چنانچه حمل مواد مخدر بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می شود.»

دکتر رجبی دوانی، استاد تاریخ اسلام تبیین کرد

جایگاه «عفو» و «مجازات» در سیره نبوی

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

موضوع عفو گرچه از منظر روایی و حدیثی قابل بررسی است، با این حال، بخش دیگری از این موضوع، به سیره اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی‌ا... علیه‌وآله‌وسلم و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام در این باره باز می گردد. پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، برای بررسی این موضوع به سراغ دکتر محمدحسین رجبی دوانی، استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ اسلام رفته است. دکتر رجبی دوانی معتقدند که پیامبر صلی‌ا... علیه‌وآله‌وسلم، مجرمان جنگ سخت را معمولا مورد عفو قرار می داد اما مجرمان جنگ نرم را نه.

عفو به لحاظ لغوی و اصطلاحی به چه معناست و در آموزه‌های دینی چه جایگاهی دارد؟

عفو و بخشش یکی از صفات برجسته ایجابی است که به‌عنوان یکی از ویژگی های خداوند متعال نیز شناخته می‌شود. چنان که می فرماید: «ان الله غفور رحیم». این به آن معناست که خداوند بخشنده است و انسانی هم که می خواهد متخلق به اخلاق ا... بشود، باید در عرصه هایی که خداوند دارای چنین صفاتی است، خودرا به آن بیاراید. در دین مبین اسلام، عفو در برابر کسی که به شما ظلم روا داشته است، اگر در موقعیت پشیمانی قرار گرفت و شما بر او غلبه پیدا کردید، توصیه شده است. برای نمونه، اگر در دادگاهی، ظلم طرف مقابل اثبات شود و شخص متهم نیز ابراز ندامت کند، چنین وضعی محل عفو است. اما اگر کسی قلدری کند و ما به دلیل ترس، عقب نشینی کنیم، چنین عفوی دارای ارزش نیست. عفو در مقام قدرت داشتن و از موضع قدرت، معنا پیدا می کند. در آموزه های دینی نیز عفو و بخشش دارای اهمیت فراوانی است؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می فرمایند: «در عفو لذتی وجود دارد که در انتقام نیست.» این آموزه روح بزرگ اخلاقی و انسانی مدنظر اسلام را نشان می دهد.

آیا در آموزه‌های دین اسلام عفو تحت هر شرایطی توصیه شده یا تابع شرایط خاص خود است؟

نباید از عفو بردباشت غلطی صورت گیرد. همان طور که گفتم، اولاً پشیمانی از عمل و ثانیاً غلبه داشتن، از جمله مهم‌ترین شرایط عفو است. اسلام هم عفو و هم انتقام را در آموزه های اخلاقی خود مدنظر دارد. مثلا قصاص یک حق طبیعی است که خداوند متعال آن را قرار داده است تا هر زمان که فرد در معرض ظلم قرار می گیرد، بتواند از آن استفاده کند: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.» علاوه بر این، در حالتی که جرم جنبه اجتماعی داشته باشد، حتی در صورت عفو از سوی مظلوم نیز حکومت اسلامی نباید از جنبه عمومی جرم بگذرد تا جرم کردن و پس از آن بخشیده شدن، به یک عادت بد اجتماعی تبدیل نشود. در اینجا برای اینکه بدعت صورت نگیرد، حاکم شرع نمی تواند از جنبه عمومی جرم بگذرد. برای مثال، اگر کسی از طریق زور گیری مرتکب قتل شود، حتی اگر اولیای دم نیز از خون مقتول بگذرند، حاکم شرع مجازات دیگری را برای وی در نظر می گیرد تا این موضوع درس عبرتی برای سایرین شود. بنابراین بر اساس آموزه های دین اسلام، عفو تحت هر شرایطی و در همه مواقع مورد قبول نیست. در عهد امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در زمانی که یک فرد زیر گوش فرد دیگری زده بود، پس از محاکمه، امر بر آن شد که مضروب نیز عین آن کار را تکرار کند که مضروب (یا از سر ترس یا عفو) ضارب را بخشید. اما در مقابل حضرت فرمودند که اگر تو از حق خودت بگذری، من از حق جامعه نمی گذرم و ضارب را تعزیر کرد.

اگر بخواهیم وارد سیره پیامبر اسلام(ص) شویم، نحوه برخورد ایشان با کسانی که مرتکب جرم و اشتباهی می‌شدند، چگونه بود؟

در ابتدا باید در نظر داشته باشیم که پیامبر اکرم صلی‌ا... علیه‌وآله‌وسلم «رحمة للعالمین» هستند و از آنچه به حق شخصی ایشان بازمی گشت، گذشت می کردند. اما اگر شخصی به اصل دین، باورها و جایگاه رسالت خدشه‌ای وارد می کرد، پیامبر اسلام گذشت نمی کردند. برای این موارد می توان مثال هایی ذکر کرد. به‌طور کلی نبی مکرم اسلام صلی‌ا... علیه‌وآله‌وسلم، عاملان به اصطلاح امروزی «جنگ سخت» (کسانی که پیکار و ضربه های جانی وارد می کردند) را می بخشیدند. برای نمونه، ابوسفیان، وحشی (قاتل حمزه سیدالشهدا)، سفان بن امیه (از بزرگان قریش)، مروان بن حکم، عبدا... بن سعد بن سهل و... در زمان فتح مکه ابراز پشیمانی کردند و پیامبر نیز در موضع قدرت قرار داشتند و آن ها را عفو کردند. اما در نقطه مقابل، پیامبر جنایتکاران عرصه «جنگ نرم» را، از آنجایی که با باورهای مردم و جایگاه رسالت در افتاده بودند، عفو نمی کردند. دو نفر در این زمینه بسیار شاخصند: یکی نضر بن حارث که دست بر قضا پسر خاله پیامبر نیز بود و دیگری عقبه بن ابی معیط. این دو شخص از راه های تبلیغاتی و نرم سراغ اسلام آمدند. آن ها به مدینه و سراغ یهودیان رفتند تا از آن ها علیه اسلام کمک بگیرند. مسائلی از یهود آموختند تا به خیال خود، از پیامبر بپرسند و حضرت نتواند پاسخ آن ها را دهد تا در نتیجه، رسالت ایشان ضایع شود. نضر بن حارث که به ایران آمده و با داستان های ایرانی آشنا بود، زمانی که پیامبر در کنار دیوار کعبه از طریق بیان داستان های اقوام سلف (هود، ثمود و...) مردم را به اسلام دعوت می کردند، یک چهارپایه در مقابل پیامبر می گذاشت و مردم را به گوش دادن داستان های ایرانی فرامی خواند تا به این وسیله مردم را از اطراف پیامبر پراکنده کند. بعد تر این فرد در جنگ بدر حضور داشت و البته قطره خونی نیز از بینی مسلمانان نریخت، اما در این جنگ به همراه هفتاد نفر از کفار اسیر شد. حال، به رغم اینکه سیاست پیامبر کشتن اسرا نبود، در میان آن هفتاد نفر، با دریافت فدیه از ۶۸ نفر از اسرای جنگ بدر، تنها نضر بن حارث و عقبه بن ابی معیط را نبخشید. در آن زمان وضع حکومت اسلامی (به لحاظ مالی) خیلی مناسب نبود و پیامبر با دریافت فدیه از اسرا جذب سرمایه می کرد، اما با وجود آن که آن دو نفر سرمایه دار نیز بودند و می توانستند پول خوبی پرداخت کنند، به دلیل آنکه از طریق ابزارهای تبلیغاتی و روانی به سراغ اسلام آمده بودند، مورد عفو قرار نگرفتند و به دست امیرالمؤمنین علیه‌السلام به هلاکت رسیدند.

جرم عقبه بن ابی معیط چه بود؟

عقبه بن ابی معیط علاوه بر آموزش گرفتن از یهودیان به همراه نضر بن حارث، جسارت بزرگی به جایگاه رسالت کرده بود. او که در همسایگی پیامبر اسلام زندگی می کرد، علی رغم آنکه مسلمان نبود، آداب همسایگی را در قبال پیامبر رعایت می کرد. رعایت حال پیامبر توسط وی موجب شده بود که از ال قریش به وی بگویند که به پیامبر علاقه‌مند شده است و قصد گرویدن به اسلام را دارد. هر اندازه که عقبه انکار می کرد نیز آن ها نمی پذیرفتند و به او می گفتند که باید اثبات کنی به پیامبر ارادتی نداری. عقبه برای اثبات همین موضوع روزی عبای خود را دور گردن پیامبر اسلام انداخت و قصد جان ایشان را داشت که مردم جلوی او را گرفتند. حتی این کار نیز مورد پذیرش ارذل قریش قرار نگرفت و عقبه با انداختن آب دهان کثیف خود به صورت مبارک پیامبر اسلام، عدم ارادت خود را نشان داد. پیامبر اسلام (اگرچه که حق طبیعی ایشان مجازات کردن عقبه بود)، به دلیل توهین به جایگاه رسالت، خطاب به عقبه فرمودند روزی را می بینم که در جنگ به دست ما اسیر شدی و جزای کار خود را خواهی دید. سرانجام نیز عقبه در جنگ بدر اسیر شد.

شاهد مثال دیگری در زمینه عدم عفو از سوی پیامبر اسلام(ص) وجود دارد؟

بله، در آن زمان شعر بزرگ‌ترین رسانه عرب بود و پیامبر اسلام نیز در چند مورد دستور قتل شاعرانی را صادر کرد که علیه اسلام فعالیت داشتند. یکی از آن ها کعب بن اشرف است که یهودی نیز بود. وی علیه مسلمانان شعر می سرود و زمانی که یک زن مسلمان پاسخ وی را داد، اشعاری در وصف زنان مسلمان سرود و به نوامیس مسلمین توهین کرد.

پیامبر اسلام نیز در مدینه و در زمان زمامداری، دستور قتل وی را صادر کرد. اسماء بنت مروان (همسر یزید بن حطمی) نیز شاعره‌ای بود که اشعاری در جهت بر هم زدن آرامش روانی جامعه می سرود و پیامبر اسلام دستور قتل وی را نیز صادر کرد. پیامبر یک تازه مسلمان از قبیله عصما را (که کسی از مسلمان شدن وی خبر نداشت) مأمور کرد تا این شاعره را به قتل برساند. حتی در روز فتح مکه نیز که پیامبر فرمان عفو عمومی صادر کردند، دستور قتل دو شاعر زن را دادند و فرمودند اگر بر دیوار کعبه هم آویزان شوند، آن ها را می کشند. همین طور هم شد.

امثال ابوسفیان که هم در نبرد سخت و هم در نبرد نرم حضور داشتند، چرا کشته نشدند؟

حکم قتل ابوسفیان نیز صادر شده بود. پیامبر پس از جنگ احد، دستور قتل وی را صادر کرد، ولی فرستاده پیامبر (عمر بن امیه زمری) شناسایی شد و امکان کار فراهم نیامد. علاوه بر این، جنبه نبرد سخت ابوسفیان غلبه داشت و این گونه نبود که از طریق مثلا شعر به جنگ با اسلام بیاید و تبلیغات خاصی علیه اسلام داشته باشد. اگر اقدامی هم می کرد، بیشتر بهانه‌ای بود که مسلمانان دست وی می دادند. برای مثال، داماد وی ابتدا اسلام آورد و پس از مدتی مجدداً از اسلام روی برگرداند. به همین دلیل، ابوسفیان به جدایی دخترش اعتراضی نکرد. همچنین در موردی نیز مسلمانان در ماه حرام جلوی کاروان وی را گرفتند و حتی یکی از محافظان او را نیز کشتند و به این وسیله بهانه به دستش دادند. علاوه بر این، ابوسفیان پیش از فتح مکه علی الظاهر اسلام آورد و این موضوع را از طریق عباس (عموی پیامبر) به محضر پیامبر اسلام اطلاع داد و اگر در زمان فتح مکه اسلام می آورد، امکان عدم عفو وی نیز وجود داشت.

در مورد یهودیان مدینه چطور؟ چه شد که آن‌ها مورد عفو قرار نگرفتند؟

به نکته خوبی اشاره کردید. پیامبر اسلام در بدو ورود به مدینه، در محلی به نام قبا توقف داشتند تا امیرالمؤمنین علیه‌السلام به همراه فواطم به ایشان ملحق شوند. در این هنگام، گروهی از علمای یهود به دیدار پیامبر آمدند تا ببینند آیا پیامبر اسلام همان موعود تورات است یا خیر. آن ها که با دیدن نشانه مطمئن شدند نبی مکرم اسلام همان موعود است، می خواستند مسلمان شوند، اما در عین حال تقاضای باج هم کردند. در واقع آگاهانه مقابل اسلام ایستادند و به جز عده اندکی، اسلام نیاوردند. اینجا بود که پیامبر اسلام از ناحیه یهود احساس خطر کردند و به آن ها پیشنهاد دادند که حدود روابط را تعریف کنند. یهودیان نیز از پیشنهاد منطقی پیامبر اسلام استقبال کردند و یک قرارداد همزیستی میان آن ها منعقد شد. بر اساس آن قرارداد، مدینه حرم امن الهی شناخته شد و کسی (اعم از مسلمین و یهودیان) حق بر هم زدن امنیت آن را نداشت. منتها در ادامه، هر کدام از سه قبیله یهودی به نوعی مفاد قرارداد را نقض کردند و پیامبر نیز آن ها را عفو نکردند. برای نمونه، یهودیان بنی قینقاع با بی احترامی نسبت به یک زن مسلمان و قتل مرد مسلمانی که به یاری آن زن برخاسته بود، این پیمان را زیر پا گذاشتند. پیامبر نیز دستور تبعید همه افراد قبیله را صادر کردند، اما یهودیان مقاومت کردند و پیامبر با اتمام مهلت آنان، به طرف آن ها لشکر کشی کردند. بنی قینقاع با دیدن لشکریان اسلام تصمیم گرفتند مفاد قرارداد را اجرا کنند. در این لحظه پیامبر اسلام به دلیل مقاومت اولیه آن ها در مقابل نقض قرارداد، دستور مصادره اموال آن ها را دادند. بنی نضیر نیز قصد جان پیامبر را کرده بودند که با اطلاع رسانی جبرئیل به پیامبر، این کار عملی نشد. پیامبر اسلام این بار هم دستور تبعید همه افراد قبیله را دادند. زمانی هم که آن ها مقاومت کردند، پیامبر به لشکریان اسلام دستور دادند نخل های این قبیله را (که خارج از محل زندگی آن ها بود) قطع کنند تا قاطعیت پیامبر در مجازات افرادی که عهدشکنی می کنند، نشان داده شود. پس از این اقدام بود که بنی نضیر حاضر شدند مدینه را ترک کنند و پیامبر اسلام اجازه دادند هر خانواده تنها یک بار شتر با خود ببرد. بنی قریظه نیز با به وجود آمدن فتنه جنگ احزاب و اتحاد همگان (کافر، مشرک، یهود و...) برای نابود کردن حکومت اسلامی در مدینه، فکر کردند که اسلام نابود خواهد شد، به همین دلیل نیز به احزاب پیوستند و بنا بود که از پشت به روی پیامبر جبهه باز کنند، ولی پیامبر با گمارد ن هفتصد نفر در مدینه، جلوی اجرای نقشه آن ها را گرفت. زمانی که احزاب نتوانستند از خندق عبور کنند، آن ها نیز جنگ با مسلمانان را آغاز نکردند و زمانی که احزاب ناکام بازگشتند، گیر افتادند. در اینجا بر اساس یک نقل تاریخی، پیامبر اسلام به همراه سعد بن معاذ (رئیس قبیله اوس) با آن ها مذاکره کرد و قرار شد مردان قبیله کشته شوند، زنان نیز به اسارت بروند و اموال مصادره شود. اما برخی از مورخان معاصر مانند مرحوم آیتا... رجبی دوانی و مرحوم دکتر شهیدی، این موضوع را با ادله‌ای رد می کنند. آن ها بر این باورند که این کار (قتل عام) با سیره پیامبر سازگار نیست. مواردی در تاریخ وجود دارد که حتی کفار و مشرکانی که به جنگ با پیامبر پرداختند نیز مورد عفو ایشان قرار گرفتند و حتی پیامبر قصد هدایت آن ها را داشت. حال چطور امکان دارد که پیامبر افراد بنی قریظه را که حتی وارد جنگ نشده بودند، قتل عام کنند؟ پیامبر قاطعیت داشتند، اما به دنبال قتل عام نبودند. ضمن آنکه نوع رفتار پیامبر با یهودیان پیش از آن نیز چنین نبود. حتی یهودیان خیبر که آنجا را به پایگاهی علیه مسلمین تبدیل کرده بودند و ۲۹ نفر از مسلمانان را نیز به قتل رساندند، در نهایت کشته نشدند، بلکه قرار شد تنها نیمی از محصولات کشاورزی خیبر را به‌عنوان جزیه سالانه به حکومت بدهند. آن چنان رأفت عظیم بود که حتی یهودیان دیگر مناطق (مانند فدک) نیز به سراغ پیامبر آمدند و تصمیم گرفتند با پیامبر صلح کنند.

از شیوه حکومت داری پیامبر اسلام صلی‌ا... علیه‌وآله‌وسلم که بگذریم، به حکومت داری امیرالمؤمنین علیه‌السلام می رسیم. در زمان ایشان شکل و ماهیت فتنه تغییر کرد و مقابله حکومت اسلامی با مسلمانان بود، نه با غیر مسلمان. عفو و عدم عفو در زمان حکومت داری ایشان به چه ترتیبی بود؟

مولای متقیان نیز مانند پیامبر اسلام عمل می کردند. آنچه را به شخص ایشان بازمی گشت، می بخشیدند، اما از آنچه به عموم مردم مربوط می شد نمی گذشتند. برای مثال، زمانی که فتنه جمل برپا شد، جملی ها به بصره ریختند و علاوه بر کشتار مسلمین، بیت المال بصره را نیز غارت کردند. اقدامات جملی ها در شرایطی صورت گرفت که آن ها با حاکم بصره (عثمان بن حنیف) توافق کرده بودند قبل از ورود امیرالمؤمنین علیه‌السلام، وارد دارالاماره و مسجد جامع نشوند، ولی هر دو مورد را نقض کردند. پس از آن، مخالفان عثمان را شناسایی کردند و آنان را نیز کشتند. با این حال ایشان خطاب به آن ها گفتند که اگر عاملان جنایات بصره را تحویل دهند و بقیه افراد نیز توبه و مجدداً بیعت کنند، می توانند به زندگی عادی خود بازگردند و فقط امکان بخشش افرادی که جنایت کرده‌اند، وجود ندارد. اما آن ها به دلیل اینکه تعدادشان به سی هزار نفر می رسید و تعداد سپاهیان امیرالمؤمنین حدود دوازده هزار نفر بود، جنگ با مولای متقیان را آغاز کردند. جالب آنجاست که حتی در این مواقع نیز امیرالمؤمنین آغازگر جنگ نبوده‌اند و سه بار از مسلمین خواستند که کسی داوطلب شود تا با بردن قرآن نزد آن ها، از آن ها بخواهد به قرآن عمل کنند و دست از فتنه گری بردارند، ولی آن ها هر بار حاملان قرآن را به قتل رساندند و قرآن را تکه تکه کردند. در اینجا بود که حضرت دستور آغاز جنگ را دادند. اما در زمان درگرفتن جنگ دیگر نشانی از رحم و عطوفت و انعطاف نبود، مگر زمانی که شروع کنندگان جنگ از بین می رفتند. در جمل نیز هنگامی که رهبران اصلی کشته شدند، حضرت دیگر قصد نداشتند جنگ را ادامه دهند. ایشان دستور دادند زخمی ها را رها کنند و به دنبال فراری ها نیز نروند. در این زمان، با وجود آنکه افراد به جامانده توبه هم نکرده بودند، به دلیل از بین رفتن رهبران اصلی و در هم شکسته شدن شاکله آن ها، حضرت از بقیه افراد می گذرند. علاوه بر این مورد، حضرت در مورد فتنه گران و کسانی که با دشمنان همکاری داشتند نیز قائل به عفو گذشت نبودند. برای نمونه، شخصی به نام وائل بن حجر حضر می که پیش از اسلام شخص مطرحی در یمن بود، ولی آن زمان در کوفه اقامت داشت، در اواخر حکومت امیرالمؤمنین، با اجازه ایشان تصمیم می گیرد به یمن سری بزند. حضور وی در یمن با حضور بسر بن ارطاة (مأمور معاویه که مسئول کشتار هواداران امیرالمؤمنین در یمن بود) مصادف شد. وائل اقدام به همکاری با مأمور معاویه و هواداران امیرالمؤمنین را به او معرفی می کند. به این ترتیب، تعداد زیادی از مردان به قتل می رسند و زنان و کودکان نیز به اسارت به شام برده می شوند. زمانی که خبر همکاری وائل به امیرالمؤمنین رسید، چون به آن شخص دسترسی نداشتند، دستور دادند خانواده وی را بازداشت کنند تا وائل مجبور به بازگشت شود. البته همین موضوع موجب شد آن ها از امیرالمؤمنین کینه به دل بگیرند و در زمان واقعه عاشورا، یکی از فرزندان وی به نام مسروق بن وائل تصمیم گرفت به جنگ با امام حسین علیه‌السلام برود، اما با دیدن کرامتی از ایشان، از کار خود منصرف شد. علاوه بر این موارد، حضرت از اختلاس از بیت المال نیز به هیچ عنوان گذشت نمی کردند. حتی در مورد بدهکاران به بیت المال نیز گذشت به خرج نمی دادند و افراد بدهکار را زندانی می کردند. در برخی موارد نیز بدهکاران به معاویه پناه می بردند که در این موارد نیز حضرت از آن ها نمی گذشتند.

سپاس و قدردانی
از **جناب آقایان دکتر بربند و دکتر نماینده و دکتر کارگهی**
و کلیه پرسنل بخش ICU بیمارستان فارابی
که در بهبودی حال اینجانب
محمد حسینی آرین کوشا بودند، سپاسگزارم.
محمد حسینی آرین
۱/۹۵۲۸۵۴۹۳

سرکار خانم ملیحه ثابتی
پیشکسوت عرصه ی ایروبیک پیشرفت ایروبیک استان خراسان (مشهد)
را مدیون زحمات بی دریغ شما استاد بزرگوار هستیم. سایه تان مستدام
قدردان زحمات شما: مهسا ارجمندراد
ساناز وظیفه دوست - نیلوفر یوسفی
۹۵۲۸۴۶۶۰/پ

جناب آقای علیرضا مجتهدی فر
انتخاب شایسته شما را بعنوان
مدیریت شعبه تبریک می گوییم.
همواره مایه افتخار ما هستید.
دکتر مجتهدی فر
ناصر و نرگس
۹۵۲۸۴۴۸۲/ق

جناب آقای مهندس امیر برکت مومنی
مدیرعامل شرکت خوشنام خراسان
انتخاب شایسته شما به عنوان **صادرکننده نمونه استان**
را خدمت شما و همکارانتان صمیمانه تبریک عرض می کنیم. پیشرفت روزافزون شما و همکارانتان را در عرصه تلاش و سازندگی آرزومندیم.
دایی اکبر و خانواده
۹۵۲۸۵۷۷۴/م

جناب آقای مهندس مجید توتونچی
ریاست محترم سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی
حسن انتخاب **حضرتعالی و آقایان دکتر سیدمجید مزینانی، مهندس فریدون بهلول، مهندس بهروز پیراسته و مهندس رضا بشیر**
را بعنوان هیأت رئیسه سازمان نظام مهندسی
تبریک عرض نموده، ضمن قدردانی از زحمات **جناب آقای دکتر علی سیفی و همکارانشان**، آرزوی توفیق روزافزون برای مدیریت جدید در جهت ارتقاء جایگاه رفیع واعتلای سازمان نظام مهندسی ساختمان را از درگاه ایزد منان خواستاریم.
هیأت مدیره انجمن انبوه سازان
۹۵۲۸۵۵۲۶/م

اصلاحیه در آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای
شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق به شماره **۹۵۲۶۵۰۲۳** چاپ در صفحه ۱۲ به تاریخ ۹/۱۶ نوبت دوم با شماره مجوز ۳۷۴۶ صحیح می باشد.
۹۵۲۸۶۰۰۶/م

آگهی دعوت جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (نوبت دوم) شرکت چهل بازه فلات توس به شناسه ملی ۱۰۲۸۰۵۶۷۵۱۲ و شماره ثبت ۴۰۹۰۸
با توجه به حد نصاب نرسیدن مجمع نوبت اول و برابر مصوبه هیئت مدیره، جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (نوبت دوم) صاحبان سهام، راس ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۹۵ در محل: مشهد- قاسم آباد- بلوار امامیه - امامیه ۷- مجتمع غدیر- مجموعه تالارهای مهدیس برگزار می گردد. بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم یا وکلای آنان دعوت می شود در موعد مقرر در جلسه حضور بهم رسانند. دستورجلسه: ۱- استماع گزارش فعالیت هیئت مدیره و بازرس قانونی ۲- بررسی و تصویب صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۴/۰۹/۳۰
۳- انتخاب اعضاء هیئت مدیره و بازرس قانونی
۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۵- سایر مواردی که درصلاحیت مجمع باشد. برگه حضور در جلسه مجمع صرفا همان روز و یک ساعت قبل از شروع جلسه و با ارائه کارت شناسایی از سوی سهامدار یا وکلای آنان توزیع می گردد.
هیئت مدیره

آگهی تغییرات شرکت گهربار پیشه شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۷۱۹۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۳۰۰۷۴
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- محل شرکت در واحد ثبتی مشهد به آدرس شاندیز- میدان معلم- بعد از معاینه فنی خودرو سمت راست دو راهی ابراهیم آباد باغ شهر گلهای شاندیز تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.
با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری مشهد
۹۵۲۸۵۸۹۷/آ

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه گران
اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای خراسان رضوی

شماره مناقصه	عنوان پروژه	شهرستان	مبلغ برآورد
۹۵/۳۱/۲۴	انجام قسمتی از عملیات راهداری استان منطقه دو	احمدآباد، سبزوار، خوشاب، جوین، جغتای، نیشابور، فیروزه و سرولایت	۲۰۰۰۰ میلیون ریال
۹۵/۳۱/۲۵	انجام قسمتی از عملیات راهداری استان منطقه چهار	فریمان، رشتخوار، خواف، تایباد، باخرز، سرخس، صالح آباد و تربت جام	۱۸۰۰۰ میلیون ریال

- رشته و رتبه پیمانکار :پیمانکاران دارای صلاحیت در رشته راه و ترابری و دارای ظرفیت آزاد در سامانه اطلاعات سازمان نظام فنی و اجرائی (ساجار) http://sagar.mporg.ir
-مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران : از اول وقت اداری مورخ ۹۵/۱۰/۱ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۹۵/۱۰/۴
- محل های دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران : پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس : http://iets.mporg.ir
مشهد - انتهای خیابان فدائیان اسلام، اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی، اداره پیمان ورسیدگی
- مهلت تحویل اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران : پایان وقت اداری مورخ ۹۵/۱۰/۱۸
-محل تحویل اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران: مشهد، انتهای خیابان فدائیان اسلام، واحد دبیرخانه، اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی
۱/۹۵۲۸۴۶۹۶